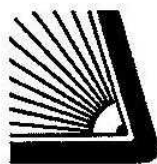


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ن و القلم و ما یسطرون

یارسان چه می گویند؟

سعید وزیرى



انتشارات نظری

سرشناسه	: وزیر، سعید
عنوان و نام پدیدآور	: یارسان‌ها چه می‌گویند؟ / سعید وزیری
مشخصات نشر	: انتشارات نظری ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ :
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۳۰۶-۲ :
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا :
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۵۵۵۷۶ :



انتشارات نظری

نام کتاب: یارسان‌ها چه می‌گویند؟

نویسنده: سعید وزیری

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فردوس - مازندران

« کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ و صرفاً محفوظ ناشر می‌باشد »

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید - سال ۱۳۹۴، اسدآبادی (یوسف آباد)

نیش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طاقچه، واحد ۱۷

info@nashrenazari.com

www.nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۰۲۹۴۵۵

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

پیام کوتاه: ۱۰۰۰۰۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

- ۱۱ ..... به جای مقدمات
- ۱۷ ..... پیشگفتار
- ۳۲ ..... عقاید علی‌الهیان از دیدگاه مؤلفان کتاب دبستان مذاهب
- ۳۵ ..... سبائیه از دیدگاه شهرستانی مؤلفان کتاب الملل و النحل
- ۳۵ ..... باز هم درباره‌ی غلوکنان درباره‌ی حضرت علی (ع) غالیه
- ۳۶ ..... فرقه‌ی اتحادیه (وقتی با خداوند یکی شوند)
- ۳۷ ..... فرقه‌ی علیائیه
- ۳۸ ..... نصیریّه
- ۳۹ ..... اهل حق
- ۳۹ ..... دروزی‌ها
- ۴۰ ..... ملک طاووسی‌ها
- ۴۲ ..... آئین صارلی

- ۴۳ ..... طایفه‌ی شبک
- ۴۳ ..... یزیدیه (ایزدی‌ها)
- ۴۶ ..... اهل حق از نگاه محمد مکرری
- ۴۸ ..... عقیده‌ی گنت دو گوینو درباره‌ی اهل حق
- ۴۹ ..... عقیده‌ی مینورسکی
- ۴۹ ..... عقیده‌ی «معن» درباره‌ی اهل حق
- ۵۰ ..... نصیریه
- ۵۵ ..... پیدایش آئین یاروان
- ۵۸ ..... زمانی با فریدون همراز و هم‌بوم
- ۵۸ ..... دوره‌ی باباسرهنگ
- ۵۹ ..... شاه خوشین
- ۶۰ ..... دوره‌ی باباناوس
- ۶۱ ..... دوره‌ی سلطان سهاک
- ۶۳ ..... مقام‌ها
- ۶۴ ..... فلسفه‌ی آفرینش از دیدگاه اهل حق
- ۶۵ ..... آفرینش زمین
- ۶۵ ..... آفرینش هفتن

- ۶۷ ..... آفرینش هفت‌تانه چهل تن
- ۶۷ ..... آفرینش چلتن (چهل تن)
- ۶۹ ..... آفرینش آدم
- ۷۰ ..... شاه خورشید
- ۷۳ ..... چگونه روح در جسم آدم دمیده شد؟
- ۷۴ ..... اساس فلسفه اهل حق چیست؟
- ۷۸ ..... شهید
- ۷۹ ..... خاتون سید حبیب‌شاه
- ۸۰ ..... امامان «شیعه» در نزد اهل حق
- ۸۱ ..... بکر زایی
- ۸۱ ..... الف) ماما جلاله مادر «شاه خورشید»
- ۸۲ ..... ب) خاتون دایراک مادر «سلطان سهاک»
- ۸۲ ..... ج) دختر پیر میکائیل و مادر «بابایادگار»
- ۸۳ ..... د) دختر مولوی و مادر «شمس تبریزی»
- ۸۴ ..... کلام خوان‌ها و موسیقی
- ۸۷ ..... علت پیدایی آئین یارسان یا اهل حق چه بوده است؟
- ۸۸ ..... ویژگی ظاهری مردان اهل حق

- ۹۰ ..... خاندان‌های یارسان
- ۹۱ ..... شاه ابراهیمی
- ۹۱ ..... خاندان بابایادگار
- ۹۲ ..... خازان خاموشی
- ۹۲ ..... خاندان بلندری
- ۹۲ ..... خاندان میرزا...
- ۹۲ ..... خاندان سیاه...
- ۹۳ ..... حاجی بابوسی
- ۹۳ ..... زنوزی
- ۹۳ ..... آتش‌یگی
- ۹۳ ..... شاه‌هیاسی
- ۹۴ ..... باباحیدری
- ۹۴ ..... سید به چه کسی می‌گویند؟
- ۹۴ ..... قبله‌ی اهل حق
- ۹۵ ..... نماز
- ۹۵ ..... آیا اهل حق نماز دارند و نمی‌خوانند؟
- ۹۵ ..... اهل حق نماز نخواندن خود را توجیه می‌کنند.

- نیاز به جای نماز ..... ۹۶
- روزه ..... ۹۷
- چرا اهل حق سه روز، روزه می گیرند؟ ..... ۹۷
- روایت بکم ..... ۹۷
- روایت دیم ..... ۹۸
- دعای روزه ..... ۹۹
- اهل حق به چه کسی پیرا می گویند؟ ..... ۱۰۰
- جم چیست؟ ..... ۱۰۱
- عیدهای اهل حق ..... ۱۰۱
- عید نوروز ..... ۱۰۲
- عید قربان ..... ۱۰۲
- دعای قربانی ..... ۱۰۳
- قربانی شامل چه چیزهایی نمی شود؟ ..... ۱۰۳
- شکرانه ..... ۱۰۱
- خدمت ..... ۱۰۳
- غسل ..... ۱۰۴
- مراسم خاک سپاری مردگان ..... ۱۰۴

- ۱۰۵ ..... اعتقاد به ائمه‌ی دین
- ۱۰۶ ..... اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ع).
- ۱۰۶ ..... سرسپردن
- ۱۰۷ ..... آداب جم و انعقاد آن
- ۱۰۸ ..... آداب وارد شدن به جم
- ۱۰۹ ..... شرایط جاسوسان
- ۱۰۹ ..... طرز نشستن در جم
- ۱۰۹ ..... آتش در آئین یارسان
- ۱۱۰ ..... تعدد زنان
- ۱۱۰ ..... کتابهای اهل حق
- ۱۱۰ ..... سرانجام
- ۱۱۱ ..... شاهنامه‌ی حقیقت
- ۱۱۱ ..... ارکان مسلک اهل حق کدامند؟
- ۱۱۲ ..... شباهت‌های آئین یارسان با سایر مذاهب و آئین‌ها
- ۱۱۲ ..... اهل حق و اسلام
- ۱۱۵ ..... بزرگان اهل حق و اسلام
- ۱۲۱ ..... رستم و تهمینه در نامه‌ی سرانجام



- 
- ۱۲۲.....افسانه‌هایی از کرامت‌های آتشیگ
- ۱۲۵.....فشرده‌ی این پژوهش
- ۱۲۷.....مزار بزرگان آئین یارسان
- ۱۳۱.....جستار پادای
- ۱۵۵.....منابع و مآخذ

## به جای مقدمه

چه قدر بد است نه آدم معلم بچه‌های روستایی باشد، اما نتواند با مردم آن روستا رابطه‌ای معمولی و دوستانه برقرار کند. من یکی از آن معلم‌هایی هستم که ۵۴ سال پیش در روستای معلم شدم که بیش از سی سال بود مدرسه داشت. روستایی بود آباد با جمعیتی در حدود ۱۵۰۰ نفر، شاید هم بیشتر و با دبستانی به نام ۱۵ بهمن که ۲۰۸ دانش‌آموز پسر و دختر در ۶ کلاس آن درس می‌خواندند. یک کلاس اول دبیرستان هم داشت که ضمیمه‌ی دبستان بود. این دبستان ۶ کلاسه با یک کلاس متوسطه می‌شد هفت کلاسه. مدیری داشت که همسرش، همسرش، پسر بزرگش و دختر بزرگش در همان مدرسه درس می‌دادند. مردم مدیر را «آقا» صدا می‌کردند. معلمان مدرسه هم همین‌طور. او هم آقای مدرسه بود، هم آقای مردم روستا، زیرا بیش از

۳۰ سال بود که در آن روستا معلمی کرده بود. در نگاه اول به نظر می‌آمد که مدرسه یک مدرسه‌ی خانوادگی است، البته که بود، اما در تمام مدتی که من در آن مدرسه معلم بودم، مدیر هیچ‌گاه میان معلمان غیر خانواده و معلمان خانواده فرقی نمی‌گذاشت. در حقیقت، ما معلمان عرب و غیرخانگی که سه نفر بودیم، از حمایت‌های مدیر بهره‌مند می‌شدیم. سه نفر از این صفری، کبری چیدن این است که بگویم محیط مدرسه بی‌سیاسی و صمیمی و خودمانی بود. تا اینجا، من معلم خوش‌شانس برده که در آغاز راه، در چنان مدرسه‌ای کارم را آغاز کرده بودم؛ اما از همان آغاز دو موضوع، برایم مشکل‌ساز شده بود. نخست اینکه مردم روستایی که من در آنجا درس می‌دادم تُرک‌زبان بودند و برای من که با این زبان آشنا نبودم، تدریس کاری دشوار بود. دوم این که من در دوران نوجوانی در تحصیل در دو شهری زندگی کرده بودم که از شهرهای مذهبی به شمار می‌رفتند. ورامین، شهری بنا بر این، وقتی فهمیدم مردم روستایی که در آن علم شده‌اند، علی‌اللهی هستند، جا خوردم! با خودم گفتم مگر ممکن است مرا می، حضرت علی (ع) را که امام اول شیعیان است، تاریخ تولد و وفاتش را تاریخ فراموش نکرده است، نعوذ بالله «الله» باشد؟ نمی‌توانستم بپذیرم که

مخلوق، خالق باشد. آن هم خالق جهان هستی. گرچه خیلی زود فهمیدم که دیگران آنان را علی‌اللهی می‌دانند، اما خودشان خودشان را اهل حق می‌دانند، رازدارند، و درباره‌ی آئین و رسم‌های خود با بیگانگان که من هم یکی از آن بیگانگان بودم، حرفی نمی‌زنند... من چون و چرايي، همه‌ی فکر و ذکر شده بود این که، به راز و رمز آئین اهل حق پی ببرم؛ اما چگونه؟ شاید برخی بر من خرده بگیرند که: وقتی مردمی حاضر نیستند و ما را خود را به زبان بیاورند و یا به صورت کتاب بنویسند و در اختیار ما بگذارند، تو چه اصراری داری که بفهمی آنها چه می‌گویند؟ کتاب آنها چه نام دارد؟ مدیر هم که «آقای» همه‌ی ما بود روزی از باب نصیحت به من گوشزد کرد که: بهتر است بدنبال این چون و چراها نباشم. مدیر بریم گفتم که: مردم این جا دوست ندارند درباره‌ی عقایدشان حرفی بزنند این‌ها ما را از خود نمی‌دانند. آنها اعتقاد دارند که:

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوزخ را

من ۳۰ سال است که در اینجا زندگی می‌کنم. بسیاری از بچه‌هایی که در مدرسه درس می‌خوانند، پدرانشان هم شاگرد من بوده‌اند. مادرها و مادر بزرگشان هم همین‌طور. با این همه هنوز کتاب آنها را که شنیده‌ام سرانجام

ندیده‌ام، نمی‌دانم در جمع‌خانه چه می‌گویند؟ فقط می‌دانم که نماز نمی‌خوانند، اما در زمستان ۳ روز، روزه می‌گیرند. حالا چه شده که تو، نرسیده و هنوز عرق خشک نشده می‌خواهی از ته و توی دین و مذهب این‌ها سر در بیاری؟

من در برابر حرف‌های مدیر حرفی نداشتم بزنم؛ از طرفی می‌دانستم که حرف‌های من از سر دلسوزی است. اما دلم می‌خواست بدانم این بچه‌هایی که من می‌شناختم با چه اندیشه‌ای رشد می‌کنند، با چه باوری پا به زندگی می‌گذارند؟ این‌ها حتی طبعش من بود. من نمی‌خواستم پس از اینکه روستا را ترک کردم با دست خالی به شهر یا روستایی دیگر بروم. این بود که ناامید نشدم و باور داشتم که عاقبت چه نماند، بنده بودم. تا اینکه در یکی از شب‌های مهتابی خرداد ماه ۳۹، یکی از پیران طایفه‌ی لطفی، مدیر را به خانه‌باغش که در پشت قهوه‌خانه‌اش بود به مهمانی خواند. دکتر محمد مقدسی هم که دلش پیش مولانا بود، مهمان بود. در آن جلسه‌ی خوب ما، لطفی قهوه‌چی که میزبان ما بود، شعری عرفانی را با صدای رسا خواند. وقتی شعر را به پایان رساند، در ذهن من جرقه‌ای زد و فکر کردم نتیجه‌گیری من می‌تواند پژوهش مرا درباره‌ی اهل حق، جهت دهد. و چنین هم شد. بنابراین ضرورت دیدم شبی را که مهمان لطفی بودیم، همان‌گونه که بود، توصیف کنم تا

نشان دهم چگونه سخنان آن پیر به من آموخت که: پژوهش درباره‌ی طایفه‌ی  
یارسان یا اهل حق را که به غلط در میان مردم به علی‌اللهی شناخته شده‌اند،  
آغاز کنم.

سعید وزیری

www.ketab.ir

## پیشگفتار

بسیار پیش آمده که از من پرسیدند: یارسان‌ها چه کسانی هستند؟ اهل حق به چه کسانی می‌گویند؟ ملک طربوس را چه باورهایی دارند؟ ایزدی‌ها چه آئینی دارند؟ آیا یارسان‌ها همان علی‌الهدی‌ها هستند؟ بدون تردید پاسخ به این پرسش‌ها چندان آسان نیست. من به علت علاقه‌ای که به شناخت ملل و نحل داشته‌ام، در این دفتر کوشیده‌ام تا درباره‌ی چگونگی پیش‌این آیین‌ها و راه و رسم آنان به دور از هرگونه حب و بغضی پژوهشی عمیق به‌دکم، نتیجه‌ی پژوهش اکنون پیش روی شماست. امیدوارم توانسته باشم به سبب این از پرسش‌هایی که از من می‌شود پاسخ دهم.

سعید وزیری